

ما از عدالت سهمی داریم

سازمان حقوق بشر ایران

سال سوم شماره ۶۶

۹ آبان ۱۳۹۶ / ۳۱ اکتبر ۲۰۱۷

حقوق ما

آزار جنسی

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تحریریه: معین خزائلی، امید رضایی، مریم دهکردی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

مشاور حقوقی: محمد اولیایی فرد

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

آزار جنسی: جرم بی مجازاتی که در رگ های جامعه جاری است



ردپای کمرنگ آزار جنسی در قوانین ایران

زنان، جرایم جنسی و عدم کفایت قانون در ایران



اثبات آزار جنسی در محل کار: مأموریت تقریبا غیرممکن



هزارتوی قوانین قضایی ایران در ماجرای آزار جنسی



از هالیوود تا ایران، چالش آزار جنسی در محل کار



آزار جنسی: جرم بی مجازاتی که در رگ‌های جامعه جاری است



نعیمه دوستدار

درباره پدیده‌ای حرف می‌زنیم که می‌توان گفت همه زنان ن را تجربه کرده‌اند. دایره شمول آن آنقدر وسیع است که هر روز خبری از آن شنیده و منتشر می‌شود. آزار جنسی در خیابان: متلک و دستمالی و الفاظ زننده، آزار جنسی در محل کار: در پارلمان کشورهای پیشرفته، از سوی رییس جمهوری‌ها و مقامات ارشد، بازیگران و کارگردان‌های مشهور و در پستوی خانه‌ها: از سوی پدر و برادر و همسر و اعضای فامیل.

از پدیده‌ای حرف می‌زنیم که سن و سال نمی‌شناسد. کودکان مظلوم‌ترین قربانیان آزار جنسی‌اند که گاه سال‌ها آن را تحمل می‌کنند و دم بر نمی‌آورند و گاه حتی جان‌شان را بر سر این موضوع از دست می‌دهند.

از پدیده‌ای حرف می‌زنیم که محدود به یک جنس خاص نیست: پسران و دختران و زنان و مردان همه می‌توانند قربانی آن شوند؛ هرچند مردان بزرگسال بیش از زنان عامل آن هستند و در مجموع زنان آن را به شکل گسترده‌تری تجربه می‌کنند.

بر اساس آمار وب سایت «قربانیان خشونت جنسی» در سال ۲۰۱۶ در هر دو دقیقه یک زن در آمریکا مورد آزار جنسی قرار می‌گیرد و از هر شش زن یک نفر نوعی از آزار جنسی را در زندگی خود تجربه کرده است. در اروپای غربی این آمار بین هر ۲۰ تا ۳۰ دقیقه یک نفر است. بر اساس آمار گزارش زنان سازمان ملل متحد در بین هر سه زن در جهان یکی از آن‌ها در طول زندگی‌اش حداقل یک‌بار قربانی نوعی از آزار جنسی بوده است.

با وجود این گستردگی و شیوع اما آزار جنسی هنوز در اغلب نقاط جهان یک تابوست. کمتر درباره آن حرف زده می‌شود و بسیاری از کشورهای جهان قوانین بازدارنده‌ای برای آن ندارند. بسیاری از شک‌های آزار جنسی از سوی جامعه تحمل می‌شود و قربانی به دلیل ترس و نداشتن



حمایت قانونی هرگز دست به اقلشای آن نمی‌زند. از آن مهم‌تر، انگشت اتهام هنوز به سوی قربانی است و نه تنها نگاه عرف و جامعه چنین است که قربانی را به دلیل مورد آزار قرار گرفتن مقصر می‌داند، که حتی نظام‌های حقوقی هم برای اثبات اگرچه قربانی دچار چالش‌اند و هنوز در بسیاری از نقاط جهان، زنان را متهم به رفتار نامناسب و پوشش نامناسب می‌کنند. تنها در معدودی از کشورهای جهان است که قوانین نسبتاً کارآمد برای اثبات آزار جنسی و تحت تعقیب قرار دادن مجرمان جنسی تدوین شده و تعریف‌های مشخصی از محدوده‌های آزار جنسی ارائه شده است.

در ایران آماری رسمی درباره آزار جنسی وجود ندارد.

هادی مصطفایی، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی ناجا مهر ماه سال ۹۳ بدون اشاره به میزان جرایم جنسی علیه زنان در ایران خبر از کاهش ۱۸ درصدی آن و نیز کشف ۸۸ درصدی آن داده است. او فروردین ۹۴ نیز در مورد جرایم جنسی عمومی اعلام شد: «ترخ جرایم جنسی در ایران یک به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر است.» آبان ۹۴، نماینده معاونت راهبردی قوه قضاییه خبر از افزایش شدید تجاوز به زنان و دختران تا پایان سال ۱۳۹۳ داد و گفت: «در سال ۹۳ حدود یک هزار و ۳۱۳ مورد تجاوز به عنف گزارش شده که نشان دهنده یک افزایش ناگهانی ۲۰۰ تا ۳۰۰ موردی است.» او میزان مزاحمت جنسی برای زنان و دختران را نیز در سال ۹۳، ۱۴۲ هزار

و ۹۳۳ مورد اعلام کرده و گفته بود که این میزان نسبت به سال ۸۹ افزایشی ۹۸ درصدی داشته است. با وجود این آمارها و در حالی که تنها در سال اخیر چندین مورد خبر ربوده شدن و آزار جنسی کودکان هم در صدر اخبار بوده، قوانین ایران هنوز از ناکارآمدترین قوانین کشورهای جهان برای حمایت از قربانیان آزار جنسی و تحت تعقیب قرار دادن آنها هستند. این شماره مجله حقوق ما به بررسی موضوع آزار جنسی در قوانین ایران چه در زمینه آزار جنسی زنان و کودکان و چه درباره آزار جنسی در محیط‌های کاری اختصاص دارد.

ردپای کمرنگ آزار جنسی در قوانین ایران



دنا دادبه، حقوقدان

لیلا ۱۹ سال دارد. به همراه مادرش از مطب دکتر به خانه بازگشته است. همه راه، خودش را سرزنش کرده که چرا در زمان معاینه در مطب دکتر، وقتی پزشک به جای معاینه‌های ضروری، او را آزار جنسی داد و به حریم شخصی‌اش تجاوز کرد، عکس‌العملی انجام نداد.

گوشی را برمی‌دارد و با سازمان نظام پزشکی تماس می‌گیرد. موضوع را مطرح می‌کند و خودش را برای روز دادگاه نظام پزشکی آماده می‌کند. پس از حدود ۸ ماه نتیجه این می‌شود که لیلا از یکسو به دلیل نداشتن شاهد و از سوی دیگر به دلیل انکار پزشک، نتوانسته آزار جنسی پزشک را اثبات کند و پرونده مختومه می‌شود.

در این یادداشت می‌خواهیم بدانیم مفهوم آزار جنسی به لحاظ حقوقی چیست و آیا قوانین ایران به این موضوع پرداخته‌اند یا نه؟

قبل از این که وارد بحث مفهوم حقوقی آزار جنسی شویم باید نکته مهمی را در نظر داشته باشیم. نکته مهم در مورد آزار جنسی این است که مفهوم آزار جنسی با مفهوم «رضایت» در هم تنیده است. این بدین مفهوم است که هر جا رابطه جنسی وجود دارد، فقط در صورتی که رضایت در میان نباشد، نام آزار جنسی به خود می‌گیرد. بسیار اتفاق افتاده است که زن یا مرد، در برقراری رابطه جنسی و چه بسا در ادامه آن رضایت دارد ولی به محض اینکه روابط دوستانه آن‌ها خدشه‌دار می‌شود، ادعا می‌کند فرد مقابل مرتکب آزار جنسی شده است.

مفهوم حقوقی آزار جنسی

مفهوم حقوقی رضایت در رابطه جنسی بدین معناست: «توافق صریح و بدون ابهام دو طرف به برقراری رابطه جنسی به صورتی که طرفین مفهوم و معنای آن توافق را درک کرده باشند.» به این ترتیب مفهوم حقوقی آزار جنسی این است: «عملی با ماهیت جنسی که در آن فرد یا افرادی با تعرض به شخصیت یک فرد (بدون رضایت) از طریق ارباب، بهره‌گیری ناخواسته یا اجبار، خواستار دریافت التفات جنسی می‌شوند.» مرکز پیشگیری از آزار جنسی [دانشگاه میشیگان](#) نمونه‌های خوبی از مفهوم رضایت، در رابطه جنسی ارائه داده است که به آن اشاره می‌شود:

-همه ما باید درباره رضایت طرف مقابل قبل از هر بار روابط جنسی احساس مسئولیت کنیم. این احساس مسئولیت بدین معنی است که اگر مطمئن نیستیم طرف مقابل به برقراری

رابطه راضی است یا نه، قبل از آغاز رابطه جنسی درباره احساسش از او سؤال کنیم.

-رضایت جنسی باید کاملاً داوطلبانه باشد. به عبارت دیگر رضایت به شروع رابطه جنسی در صورتی که به شرط انجام عمل دیگری از سوی طرف رابطه مقید شده باشد، واقعی و حقوقی نیست.

-رضایت جنسی ممکن است در هر نقطه از رابطه زناشویی و یا دوستی از سوی یکی از طرفین پس گرفته شود.

-توافق به شروع رابطه جنسی نباید تحت تاثیر عواملی مانند فشار روانی، احساسی، جسمی، مالی، تهدید، اجبار و ترس

باشد.

-رضایت قبلی به روابط جنسی به معنای رضایت در برقراری روابط جنسی در آینده نیست.

سکوت علامت رضایت نیست

موقعیت‌های زیر لزوماً به مفهوم رضایت جنسی طرف مقابل نیست:

-رفتار و حرکات بدن، ظاهر فرد، نحوه لبخند زدن و طرز لباس پوشیدن

-قرار دو نفره و یا وجود روابط جنسی در روزها، ماه‌ها و یا

سال‌های قبل

-ازدواج رسمی و یا غیر رسمی (بسیاری از آزارهای جنسی در بستر زناشویی رخ می‌دهد و آزار جنسی در بستر زناشویی به جدیت و اهمیت آزار جنسی خارج از روابط زناشویی تلقی می‌شود).

-سکوت، عدم مقاومت، عدم تحرک و یا انفعال (پس از آغاز رابطه جنسی، سکوت و یا عدم پاسخ طرف مقابل به معنای رضایت او نیست).

-ناتوانی (افرادی که تحت تاثیر الکل و یا مواد مخدر هستند، در حقیقت ناتوان از ابراز رضایت هستند. مصرف الکل معمولاً

سلاحی برای وانمود کردن رضایت طرف مقابل برای خشونت‌گر است.)

آزار جنسی در قوانین ایران

واقعیت این است که قوانین ایران هیچ تعریفی از آزار جنسی ارائه نداده‌اند. این در حالی است که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به نمونه‌هایی از آزار جنسی در قالب زنا، لواط، تقبیل (بوسیدن)، مضاجعه (گردن به گردن شدن) اشاره کرده است. در مورد نمونه‌های اشاره شده، می‌توان گفت وکیل قربانی آنجایی که قانونگذار به وجود اکراه و علف اشاره کرده است، می‌تواند جرم آزاردهنده را اثبات کند. البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که قانونگذار ایران فقط به آزار جنسی (عنصر اکراه و اجبار) میان زن و مرد و میان دو مرد اشاره غیرمستقیم کرده است و در مورد رابطه دو زن با یکدیگر هیچ اشاره‌ای به عنصر «اکراه و اجبار» نکرده است و در هر صورت مجازات آن را صد ضربه شلاق اعلام کرده است.

آزار جنسی میان زن و مرد

قانون مجازات اسلامی رابطه جنسی غیرشرعی (بدون محرمیت) میان زن و مرد را، زنا می‌نامد. در مورد جرم زنا می‌توان جایی که قانونگذار به «اجبار و اکراه» کرده است را اشاره غیر مستقیم به آزار جنسی تلقی کرد.

آزار جنسی منجر به حد

زنا

بند ت ماده ۲۲۴ مقرر می‌کند: «زنای به علف یا اکراه از سوی زانی موجب اعدام زانی است.»

از سوی دیگر تبصره دوم ماده ۲۲۴ در مورد تجاوز به دختر نابالغ با اغفال و تهدید نگاهی تبصره می‌گوید: «در زنایی که از طریق اغفال و فریب دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن او حتی اگر موجب تسلیم شدن او شود، حکم اعدام جاری است.»

آزار جنسی منجر به تعزیر

جمله آخر ماده ۶۳۷ قانون جدید مجازات اسلامی را (اشاره به عنصر علف و اکراه) می‌توان نزدیک به مفهوم آزار جنسی دانست. بر اساس این ماده، «هر گاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل (بوسیدن) یا مضاجعه (گردن به

گردن شدن) شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با علف و اکراه باشد فقط اکراه کننده تعزیر می‌شود.»

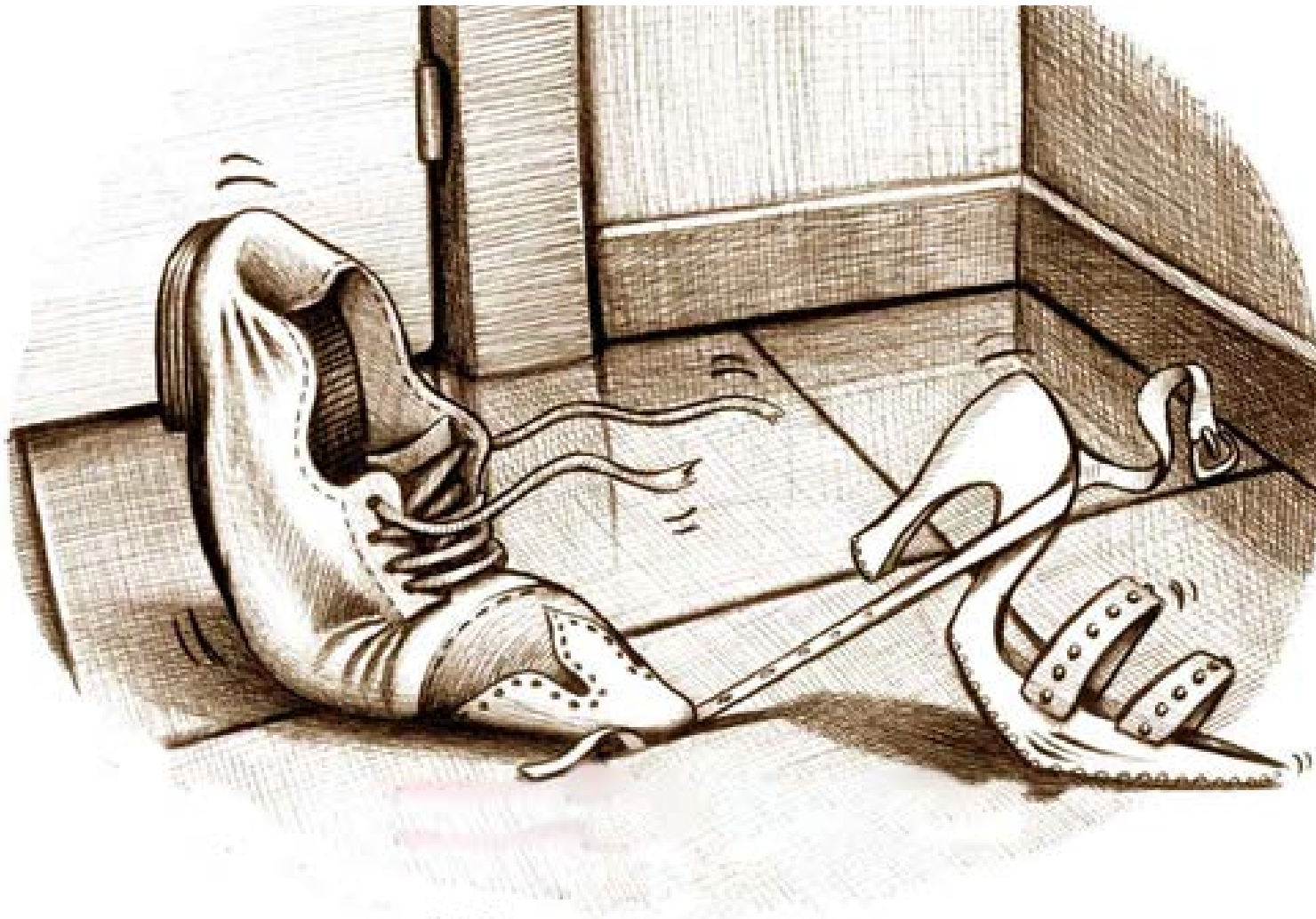
آزار جنسی میان جنس مشابه

لواط

قانون مجازات اسلامی در مرود لواط به عنصر «علف و اکراه» اشاره کرده است و عنوان کرده که حد لواط برای فاعل، در صورت علف یا اکراه، اعدام است. نکته جالب اما اینجاست که در صورت وجود عنصر «علف و اکراه» اگر مرتکب، توبه کند مجازات او طبق تبصره دوم ماده ۱۱۴ از اعدام به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آنها محکوم می‌شود.

مساحقه

قانونگذار در مورد رابطه دو زن با یکدیگر، عنصر «علف و اکراه» را در نظر نگرفته است. ماده ۲۴۰ قانون مجازات



اسلامی مقرر می‌کند: «در حد مساحقه، فرقی بین فاعل و مفعول، مسلمان و غیرمسلمان، محسن و غیرمحسن و علف و غیرعلف نیست.»

نقطه ضعف‌های قانون مجازات اسلامی

غیر از اینکه قانون مجازات اسلامی تعریفی از آزار جنسی ارائه نداده است، باید گفت ماده‌های موجود در این قانون که در بالا اشاره شد نیز، به هیچ وجه جامع و مانع نیست. دلایل آن هم از این قرار است:

- آزار جنسی محدوده وسیعی از رفتارها از مزاحمت‌های خیابانی و ارتباط‌های لمسی غیرضروری تا سوء استفاده جنسی و تجاوز جنسی را در برمی‌گیرد.
- فرد آزاردیده صرفاً همان قربانی نیست. بلکه اگر فردی شاهد آزار جنسی نیز بوده و این رفتار بر او تأثیر منفی گذاشته است نیز آزاردیده تلقی می‌شود.

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ اما قدم بزرگی برای جرم‌انگاری کودک‌آزاری برداشته است. ماده اول این قانون، کودک را فرد زیر هجده سال قلمداد کرده است و متذکر شده که کلیه کودکان زیر ۱۸ سال ازحمایت‌های قانونی مذکور در این قانون بهره‌مند می‌شوند.

ماده دوم این قانون می‌گوید: «هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی، روانی یا اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به خطر بیاندازد، ممنوع است.» ماده چهارم این قانون نیز مجازات یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ۱۰ میلیون ریال جزای نقدی برای آزار و اذیت و شکنجه جسمی و روحی کودکان در نظر گرفته است.

از همه مهم‌تر این که ماده پنجم این قانون، کودک‌آزاری را جزء جرایم عمومی قلمداد کرده و آن را محدود به شکایت شاکی خصوصی نکرده است.



معین خزائی

آزار و اذیت جنسی یکی از تلخ‌ترین و آزاردهنده‌ترین مسائلی است که در دنیای امروز کمتر زنی را می‌توان یافت که آن را تجربه نکرده باشد. از تماس برقراری رابطه مستقیم جنسی گرفته تا تماس بدنی، چشم‌چرانی، برخوردهای زننده، توهین‌های جنسیتی و نیز پیشنهادات جنسی تقریباً می‌توان گفت که تمامی زنان به نوعی دست‌کم برای یک بار قربانی یکی از این آزارها بوده‌اند.

خلاف اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان که آمار روشن و واضحی در مورد تعداد و وضعیت جرایم جنسی در جوامع خود منتشر می‌کنند در ایران آمار رسمی در این خصوص وجود ندارد. با این حال آخرین گزارش سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی ایران نشان می‌دهد در نیمه نخست امسال سه و نیم درصد از افراد زندانی در ایران به جرم ارتکاب اعمال منافی عفت و اخلاق عمومی دستگیر شده‌اند. این در حالی است که جرایم جنسی علیه زنان اساساً مبحثی کاملاً متفاوت با آنچه‌ای است که در ایران از آن به عنوان اعمال منافی عفت یاد می‌شود. از طرفی نگاهی کوتاه به سیستم قضایی نشان می‌دهد که تنها درصد بسیار کمی از آزارهای جنسی علیه زنان به مقامات مسئول گزارش شده و بسیاری از آن‌ها بدون هیچگونه پیگیری اصلاً به پلیس اطلاع داده نمی‌شود. از طرف دیگر خلاءهای قانونی فراوان قانون کیفری ایران در زمینه جرایم علیه زنان و به خصوص جرایم جنسی سبب شده که اساساً گزارش این جرایم نیز در عمل اثری نداشته و کمکی به بهبود شرایط نکند.

جرایم جنسی علیه زنان؛ برتری اصالت شرع بر اصالت فرد قوانین موضوعه کیفری در ایران بر خلاف اغلب کشورهای دنیا اساساً چیزی را به نام جرایم جنسی علیه زنان به رسمیت نشناخته‌اند. در همین زمینه قانون مجازات اسلامی در ایران علیرغم اینکه در دو بخش متفاوت به جرایم مربوط به اعمال جنسی پرداخته اما در هیچ کجای آن اشاره‌ای به این اصطلاح نشده است.

همایون حسینی وکیل دادگستری در این زمینه می‌گوید:

زنان، جرایم جنسی و عدم کفایت قانون در ایران



«اساساً جرم دانستن یک سری جرایم جنسی در قانون مجازات اسلامی به دلیل حرام بودن آنها در شرع اسلام است نه به دلیل حمایت و حفاظت از حریم خصوصی افراد و زنان.» به گفته حسینی این مساله سبب شده است که در عمل اهمیتی که برای حفظ قوانین شرعی مربوط به آنچه که عفت و اخلاق خوانده می‌شود بسیار فراتر از حمایت از جنبه خصوصی و شخصی جرایم جنسی علیه زنان باشد.

در کشورهای پیشرفته جرایم جنسی علیه زنان غالباً شامل هر رفتار و عملی است که به نحوی از انحاء موجب آزار، اذیت و یا سوء استفاده جنسی از زنان را فراهم آورده و یا به نوعی جنسیت آن‌ها را هدف قرار گرفته باشد. در حقیقت در این کشورها هر عملی که به طور مستقیم و غیر مستقیم مربوط به مسائل جنسی بوده و بدون رضایت کامل زنان نسبت به آنها صورت گیرد در زمره جرایم جنسی طبقه بندی می‌گردد. از سویی دیگر در این کشورها شخص متجاوز می‌تواند هر کسی باشد به صورتی که وجود رابطه زوجیت بین زن و مرد سبب آزادی مرد در انجام رابطه جنسی نیست و عدم رضایت زن ممکن است منجر به تجاوز شناخته شدن رابطه جنسی از سوی مرد شود.

این در حالی است که در ایران و بر اساس آموزه‌های فقه شیعه که پایه و اساس قوانین کیفری این کشور را تشکیل می‌دهد اساساً جرایم جنسی به دلیل نامشروع بودن آن‌ها جرم انگاری شده و هدف از ممنوعیت آنها پاسداری از احکام اسلامی است. از این رو روشن است که رابطه جنسی شوهر با همسر خود نه تنها در هیچ موردی تجاوز شناخته نشده بلکه در بسیاری از متون دینی زنان به تمکین به آن در هر شرایطی تشویق می‌شوند.

به گفته حسینی اثر عینی این مساله بسیار بیشتر از یک تفاوت جزئی در تعریف بوده و در عمل منجر به ناکافی بودن و ناعادلانه بودن قوانین ایران در این زمینه می‌شود. او می‌گوید: «اثر این تفاوت آن جایی بروز می‌کند که اساساً دیگر توجهی به قربانی جرم نمی‌شود، بلکه هدف صرفاً حفاظت از شرع است نه حمایت از قربانی»

به عنوان مثال قانون مجازات اسلامی در کتاب دوم خود در بخش مربوط به حدود ارتکاب زنا، لواط، مساحقه، قoadی و قذف را تنها به دلیل حرمت شرعی آنان از جمله جرایم جنسی مستوجب حد دانسته و از این رو آنها را جرم انگاری کرده است.

این وکیل دادگستری با اشاره به تعریف ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی از زنا که آن را جماع بین زن و مردی که بینشان علقه زوجیت نیست می‌داند، می‌گوید: «همین تعریف نشان می‌دهد که از نظر قانون مجازات اسلامی رضایت طرفین در برقراری رابطه جنسی اصلا اهمیتی نداشته و تنها حرمت شرعی است که مهم است.»

به گفته او همین عدم توجه به اصل رضایت سبب می‌شود که در عمل بسیاری از تجاوزات جنسی به عنوان زنا شناخته شده و قربانی نیز به همراه متجاوز به مجازات محکوم شود چرا که اساسا در دنیا آنچه که به عنوان تجاوز به عنف شناخته می‌شود اساسا چیزی جز ایجاد رابطه جنسی بدون رضایت نیست.

از سوی دیگر قانون مجازات اسلامی همچنین در هیچ یک از مواد خود اشاره ای مستقیم به اصطلاح تجاوز جنسی نداشته و تنها در ماده ۲۲۴ خود با تعریف زنا^ی به عنف آن را همردیف با تجاوز جنسی قرار داده است. حسینی در این باره می‌گوید: «تفاوت تجاوز جنسی و زنا^ی به عنف در این است که اثبات به عنف بودن زنا هزاران برابر سخت تر از اثبات تجاوز جنسی است، چرا که ثابت کردن نارضایتی زن به زنا تقریبا غیر ممکن است، مگر در موارد بسیار مشهود.»

از این منظر رضایت زن در رابطه جنسی عنصر اهلیت و اصلیت بخش آن بوده و عدم حضور آن کافی است تا بتوان آن رابطه را یک تجاوز و یا آزار جنسی محسوب کرد.

اما آنچه که به گفته این وکیل دادگستری در این میان مشکل زاست، تفاوت مفهوم رضایت در قوانین ایران با قوانین دیگر کشور ها است.

او می‌گوید: «مفهوم رضایت در قوانین ایران و نزد دادگاهها آنقدر وسیع است که عملا کوچکترین رفتاری می‌تواند به وجود رضایت تعبیر شود، در صورتی که در کشورهای غربی کاملا برعکس بوده و این اثبات رضایت است که مشکل است.» بر این مبنا اساسا اثبات عدم رضایت زن قربانی تجاوز به رابطه جنسی در مواردی که به عنوان مثال او به حضور در خانه یک مرد نامحرم در ساعتی از شب برای انجام کاری غیر ضروری رضایت داده تقریبا ناممکن است.

حسینی می‌گوید: «به طور کلی احکام فقه شیعه اماره ای هستند. به این معنی که به شدت به امارات و فرض‌ها وابسته هستند. به همین دلیل قانونگذار و دادگاهها حضور یک زن تنها

در یک مکان سر بسته، در یک زمان نامتعارف با یک وضعیت غیر معمول و بدون هدفی مشخص با یک مرد را عملا اعلام رضایت او به رابطه جنسی تفسیر می‌کنند. حال آنکه در عمل کاملا روشن است که ممکن است اینگونه نبوده باشد.»

به گفته این وکیل دادگستری از این رو مشخص است که چرا تبصره دوم ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی که در آن زنا^ی با فرد بیهوش، مست و یا خواب همردیف زنا^ی به عنف قرار گرفته عملا کارایی ندارد. چرا که در عمل فرد بیهوش یا خواب اساسا نمی‌تواند نارضایتی خود از رابطه جنسی را اعلام کند.

حسینی می‌گوید: «رویه دادگاههای ایران در پذیرفتن عدم موافقت و رضایت زن در رابطه جنسی شدیدا به وضعیت، مکان، شرایط، میزان مقاومت و حتی امکان فرار قربانی بستگی دارد. بر این مبنا اگر قربانی از ترس جان خود مقاومتی نکرده و یا فرار نکند همین برای دادگاه کافی است تا آن را از زمره تجاوز به عنف خارج کند.»

از این رو روشن است ارجحیت اصالت شرع بر اصالت فرد در عمل سبب شده قوانین کیفری ایران نتوانند آنطور که باید و شاید از زنان در برابر آزارها و تجاوزات جنسی حفاظت کنند.

جرایم جنسی علیه زنان، مصادیقی که روشن نیستند بر اساس یکی از اصول مسلم علم حقوق قوانین کیفری باید تعریف روشنی از جرایم مد نظر خود ارایه داده و مصادیق هر جرم را به روشنی مشخص کنند. چرا که در غیر این صورت اساسا بسیاری از اعمال غیرانسانی و مضر به نظم و آرامش جامعه قابلیت پیگیری نداشته و مرتکبان آن با استناد به عدم جرم انگاری آن به تکرار آن مبادرت خواهند ورزید. از طرف دیگر این مساله سبب می‌شود که بسیاری از اعمال به دلیل روشن نبودن مصادیق به راحتی در زمره جرایم قرار گرفته و انسان های بی‌گناهی بابت انجام آنها مجازات شوند.

جرایم جنسی به غیر از تجاوز علیه زنان در ایران از زمره این جرایم بوده و متاسفانه قانون مجازات کیفری در این کشور تعریف روشن و قابل فهمی از این جرایم ارائه نکرده و در نتیجه عناصر کلی تشکیل دهنده جرم و تمامی مصادیق معلوم آنرا احصاء نکرده است. در حقیقت قانونگذار به جای آنکه جرایم جنسی علیه زنان و یا آنطور که خودش می‌گوید جرایم منافی عفت را تعریف کرده تا مصادیقش مشخص شوند، تنها تعدادی از مصادیق آن را معرفی کرده و باقی را ناتمام گذاشته است.

بر همین اساس قانون مجازات اسلامی در کتاب پنجم خود در مبحث مربوط به تعزیرات و مجازات های بازدارنده که برای بار دوم به موضوع جرایم جنسی پرداخته، روابط نامشروع و اعمال منافی عفت از جمله تقبیل یا مضاجعه بین زن و مرد نامحرم را جرم انگاشته و برای مرتکبان آن مجازات تعیین



کرده است. این ماده همچنین انجام این اعمال از روی اجبار و یا اکراه را تنها موجب مجازات اجبار کننده و یا همان شخص متجاوز دانسته است.

در عمل اما آنچه مشکل می‌نماید عدم روشن بودن تمامی مصادیق معلوم آن چیزی است که قانون از آن به عنوان روابط نامشروع و اعمال منافی عفت یاد کرده است. همایون حسینی در این زمینه می‌گوید: «به جز تقبیل و مضاجعه که در حقیقت همان عمل جنسی بدون انجام فعل دخول هستند، قانون مجازات اسلامی هیچ مصداقی از منظور خود درباره عمل نامشروع و خلاف عفت ارایه نداده و از این رو می‌توان به استناد آن هر عملی را خارج و یا داخل این جرایم دانست.»

بر این اساس ماده ۶۳۸ این قانون انجام عمل حرام در ملأی عام را از مصادیق جرایم منافی عفت عمومی دانسته است. بر این اساس روشن است که اگر به عنوان مثال فردی زنی را در جایی غیر از انظار عمومی هدف عملی به جز آنچه که عرفا تقبیل و یا مضاجعه قلمداد می‌شود قرار دهد از نظر این قانون مجرم شناخته نمی‌شود.

از سوی دیگر پایه حقوقی این مواد قانون مجازات اسلامی همانند مواد مربوط به زنا بر پایه حرمت شرعی آن اعمال است؛ بعلاوه اینکه در این مورد عدم روشن بودن عمل ارتكابی نیز به

مشکل پیشین افزوده است.

به گفته این وکیل دادگستری این یعنی علاوه بر بحث اثبات عدم رضایت موضوع اثبات عمل مجرمانه نیز به مشکلات اضافه می‌شود.

از این رو در موارد اینچنینی وکلا باید به دنبال اثبات حرمت شرعی عمل انجام شده بوده و از آن طریق به دنبال اثبات جرم ارتكابی باشند.

به گفته حسینی ماده ۶۱۹ این قانون نیز نتوانسته مشکل تعیین مصادیق را حل کرده و در عمل به سردرگمی بیشتر افزوده است. بر اساس این ماده هرکس در اماکن عمومی برای زنان و اطفال از طریق الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت آنان مزاحمت ایجاد کرده و یا معترض آنان شود مجرم شناخته شده و مجازات خواهد شد. او در این زمینه می‌گوید: «تشخیص مفهوم مزاحمت یا معارضت مدنظر قانونگذار نیز در این قانون مشکل است، چرا که اساسا روشن نیست چه عملی را می‌توان داخل یا خارج شمول ماده دانست. از طرف دیگر از آنجا که فلسفه مجازاتها بر پایه قصور و تقصیر و عمد استوار است اثبات مزاحمت کار آسانی نیست.»

به گفته این وکیل دادگستری دلیل این مساله آن است که در اکثر موارد گزارش مزاحمت ها و یا آزارهای جنسی خیابانی در ایران عملا پیگیری جرم، پیش از رسیدن به مرحله دادگاه توسط قربانی رها می‌شود. چرا که امکات اثبات آن در مرحله اول به عنوان عمل مجرمانه و در مرحله دوم به عنوان فعل ارتكابی بسیار طاقت فرسا بوده و زمان بر است.

ارجحیت اصالت شرع بر فرد در فلسفه حقوق کیفری ایران و نیز عدم روشن بودن تمامی مصادیق معلوم جرایم جنسی علیه زنان در این قانون سبب شده اند که زنان قربانی آزار و اذیت جنسی از یک سو با هدف قرار گرفتن از سوی متجاوزان و مجرمان و از سویی دیگر به دلیل ناکارآمدی و عدم حمایت دستگاه قضایی به دلیل مشکلات قانونی نتوانند از حریم خصوصی خود محافظت کنند.

تفاسیر عجیب و غریب قانونی و نیز تفکرات سنتی نسبت به نقش زنان در جامعه نیز خود موجب افزایش فشار بر زنان قربانی آزار و اذیت جنسی شده و طبعاً اثرات زیانبار بیشتری را برای آنان به ارمغان می‌آورد.

در این میان اما به گفته همایون حسینی آنچه که بر اثر تجربه ثابت شده، نشان می‌دهد که قوانین کیفری فعلی ایران به هیچ عنوان ظرفیت و صلاحیت حفاظت و حمایت از زنان در برابر آزار جنسی را نداشته و تغییر آن جزو ضروری ترین اقدامات در این زمینه به شمار می‌رود.

اثبات آزار جنسی در محل کار: ماموریت تقریبا غیرممکن



امید رضایی

در حالی که در بسیاری از کشورها، «آزار جنسی در محل کار» به طور مشخص مورد توجه قانون‌گذاران قرار گرفته و علاوه بر قوانین مرتبط با آزار جنسی، آزار جنسی در محل کار قوانین خود را دارد، در ایران، قانون مشخصی برای آزار جنسی به معنی خاص آن وجود ندارد. تنها ماده قانونی‌ای که شاید بتوان در موارد آزار جنسی به آن استناد کرد، ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی است: «هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شوون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

حقوق‌دانان معتقدند قانون خوب، قانونی است که تا حد ممکن با جزئیات تعریف شده باشد و قابل تأویل و تفسیر نباشد. ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی اما هیچ مصداقی برای «معترض و مزاحم اطفال و زنان شدن» تعیین نمی‌کند. دایره تفسیر «الفاظ و حرکات مخالف شوون و حیثیت» هم بنا به تشخیص شاکی و متهم و قاضی می‌تواند باز باشد.

ابهام در تعریف اماکن عمومی

گذشته از آن، تعریف دقیق «اماکن عمومی» هم قوانین ایران چندان مشخص نیست.

در بند ۲ ماده یک آیین‌نامه اجرایی ماده ۲ قانون جامع حمایت از معلولان مصوب ۱۳۸۴، اماکن عمومی به این شکل تعریف شده است: «کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، اماکن ورزشی، پایانه‌ها، فرودگاه‌ها، دانشگاه‌ها، قطارهای شهری و برون شهری، مراکز تجاری، بانک‌ها و خودپردازها، بوستان‌ها، معابر عمومی و نظایر آن.» همچنین در بند ۱ ماده ۱ آیین‌نامه بهداشت محیط مصوب

۱۳۷۱ آمده: اماکن عمومی «عبارت است از اماکن متبرکه و زیارتگاه‌ها، زائرسراها، هتل‌ها، متل‌ها، مسافرخانه‌ها، پانسیون‌ها، آسایشگاه‌های سالمندان، آرایشگاه‌ها، حمام‌ها، حمام‌های سونا، استخرهای شنا، سینماها، پارک‌ها، مراکز تفریح‌های سالم، باشگاه‌های ورزشی، ترمینال‌ها، وسایل حمل و نقل عمومی و مسافرتی، توالت‌های عمومی، گورستان‌ها و مانند این موارد.»

یک وکیل به حقوق ما می‌گوید در یکی از موارد آزار جنسی در یک اداره دولتی از طرف همکاران یک زن، دادیار ادعای

مزاحمت (موضوع ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی) را می‌کند.

نپذیرفت، چون معتقد بود «ادارات مکان عمومی نیستند و مکان عمومی لزوما جایی سرباز است.»

راه‌های اثبات دعوا در محاکم ایران

«ادله اثبات جرم عبارت از اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی است.» این متن ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی است.

یکی از ضعف‌های اساسی در سیستم قضایی ایران، این است که اقرار متهم، نقش خیلی مهم‌تری از قرائن و شواهد در اثبات جرم دارد. در مواردی مثل آزار جنسی، به

همه این ابهامات در کنار فقدان قانون مشخص در مورد آزار جنسی به‌طور کلی و آزار جنسی در محل کار به‌طور مشخص، زنان را در برابر این دست‌آزارها بی‌پناه رها



سادگی می‌توان تصور کرد که متهم، تا جای ممکن به انکار ادامه خواهد داد و اقرار نخواهد کرد.

شهادت، راه بعدی‌ای که قانون‌گذار برای اثبات ادعا پیش‌بینی کرده است، هم مشکلات خاص خود را دارد. در مواردی مثل آزار جنسی، فرد متعرض معمولاً در حضور دیگران دست به چنین کاری نمی‌زند و امکان وجود شاهد برای آزار خیلی کم است. گذشته از آن، در کشوری مثل ایران با توجه به مناسبات سنتی، مردم به ندرت حاضرند خودشان را «به‌خاطر دیگران به دردسر بیندازند» و شهادت بدهند.

طبق قانون شهادت به حدنصاب حداقل دو نفر نیاز دارد، آن هم دو مرد: به این ترتیب احتمال پیدا شدن شاهد برای آزار جنسی (که به‌طور معمول از جانب زنان و علیه زنان است) به‌مراتب کمتر می‌شود. در شرایط محیط کار باید در نظر گرفت که افراد باید علیه همکارشان شهادت بدهند، اتفاقی که در شرایط اجتماعی ایران، به ندرت ممکن است بیفتد. قضات البته معمولاً شهادت شاهدان زن را می‌پذیرند، اما شاهد زد طبق قانون در رده‌بندی ادله، نه زیرمجموعه «شهادت»، بلکه در رده «علم قاضی» قرار می‌گیرد.

قسم: فقط برای ادعای مالی

تبصره ۱ ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: «احکام و شرایط قسامه که برای اثبات یا نفی قصاص و دیه معتبر است، مطابق مقررات مذکور در کتاب قصاص و دیات این قانون می‌باشد.» این تبصره به این معنی است که کارکرد سوگند در محاکم ایران، برای اثبات جرم نیست، بلکه فقط برای شرایطی است که شاکی خواهان دیه یا ضرروزیان مالی است. به‌عنوان مثال وقتی کسی مورد ضرب‌وجرح قرار گرفته و پزشکی قانونی این را تایید کرده است، ولی شاکی هیچ مدرکی ندارد دال بر این که چه کسی او را مورد ضرب‌وجرح قرار داده، قسم می‌خورد. با ادله سوگند متهم محکوم به زندان نمی‌شود و فقط برای دیه و ضمان مالی کاربرد دارد. از آن‌جا که در مزاحمت (موضوع ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی) ضرروزیان مالی وارد نمی‌شود، سوگند هم دیگر نمی‌تواند یکی از ابزارهای اثبات آزار جنسی باشد.

علم قاضی

علم قاضی، یکی دیگر از دستاویزهای اثبات جرم در دادگاه‌های ایران است. علم قاضی می‌تواند از طریق ابزارهای مختلف حاصل شود. یکی از آن‌ها فیلم‌های ضبط‌شده دوربین‌های مداربسته در محل کار است. یک وکیل به حقوق ما می‌گوید این فیلم‌ها هم لزوماً چیزی را ثابت نمی‌کنند. مثلاً مشخص نیست که مزاحم یا آزارگر

چه می‌گویند و دیوار حاشا برای متجاوز بلند است.

شیوه و رویه قضات هم یکسان نیست. وکیل دیگری در گفت‌وگو با حقوق ما معتقد است: «برخی قضات به‌شدت حساس‌اند و فقط کافی است حس کنند زن راست می‌گوید تا علیه آزارگر حکم بدهند. برخی دیگر حتی به فیلم دوربین‌های مداربسته هم اعتنا نمی‌کنند و شاهد می‌خواهند. حتی ظاهر و پوشش زن مدعی هم می‌تواند در نظر قاضی تاثیرگذار باشد.»

یک حقوق‌دان (که مایل به ذکر نامش نیست) در گفت‌وگو با حقوق ما می‌گوید: فقدان قانون مشخص و مربوط، نقص آئین دادرسی، قدیمی بودن شیوه‌های اثبات جرم، فضای کلی دادرسی و دادگاه‌ها، طرز فکر قضات و دادستان‌ها و فرهنگ عمومی و وضعیت اجتماعی غالب در مملکت. با در نظر گرفتن همه این‌ها، اثبات آزار جنسی زنان در محل کار، چیزی شبیه مأموریت غیر ممکن است.

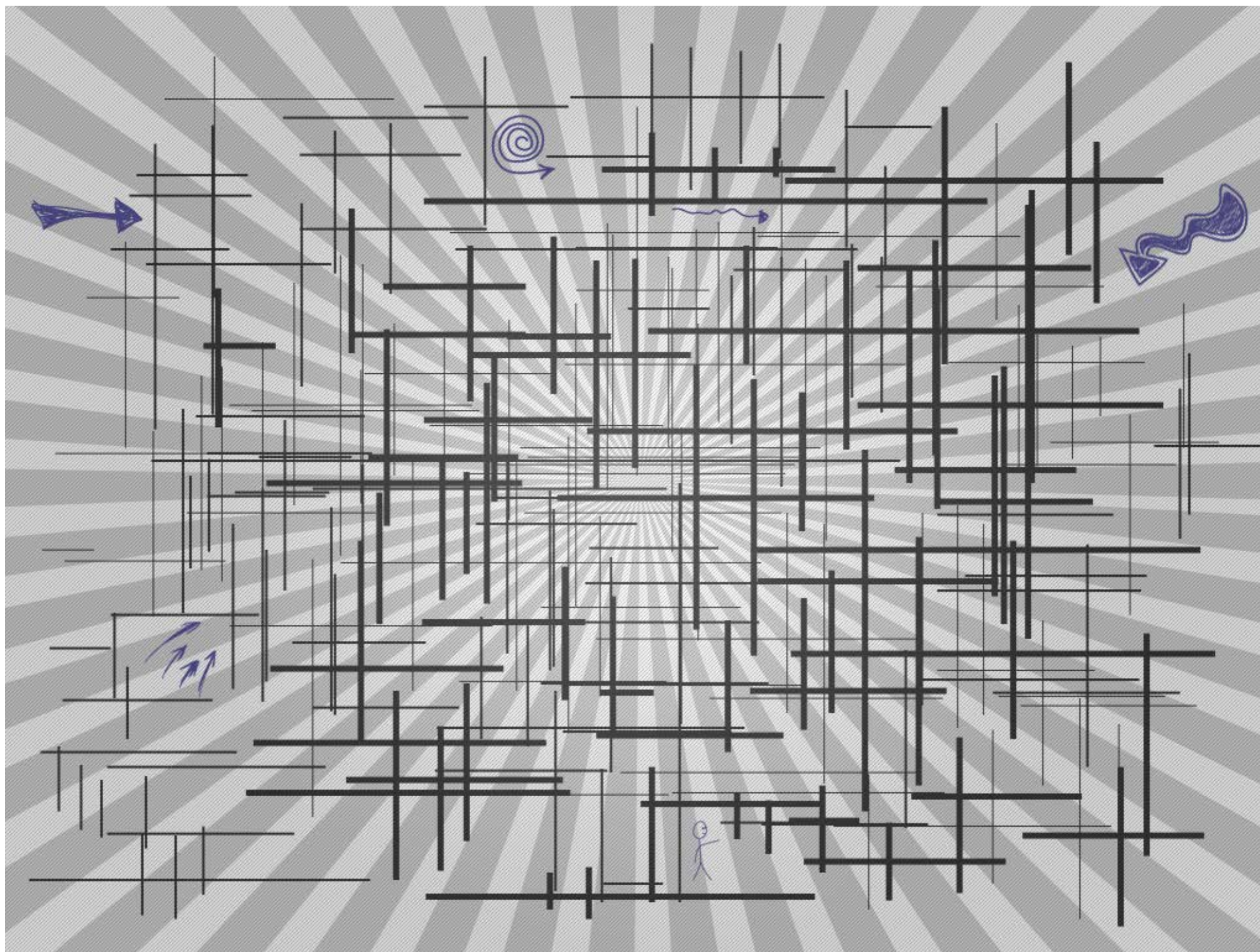


هزارتوی قوانین قضایی ایران در ماجرای آزار جنسی



مریم دهکردی

دخترک ۱۱ ساله خیس و هراسان از دستشویی بیرون می‌آید و بی آنکه به سوالات مدیر و معلم پاسخ روشنی بدهد به خانه می‌رود. پدرش روز بعد شکایتی در کلانتری محل تنظیم می‌کند مبنی بر اینکه دخترش تحت آزار جنسی سرایدار مدرسه قرار گرفته اما اندکی بعد از انتشار این خبر در میان مردم منطقه، اوضاع شهر متشنج می‌شود. همین ماجرا باعث می‌شود پدر دختر صبح روز بعد به همراه مسئولان مدرسه به کلانتری مراجعه کرده و رضایت دهد. سرایدار بازداشت می‌شود و خسارت‌های زیادی به مدرسه و منزل سرایدار از سوی مردم وارد می‌شود. همه مقامات یک صدا این واقعه را شایعه، بدفهمی و جریحه دار کردن احساسات مردم می‌خوانند. فرماندار شهر در گفتگو با رسانه‌ها می‌گوید: «هیچ‌گونه تعرضی مانند عمل آزار و اذیت جنسی یا زنا به این دخترخانم دانش‌آموز رخ نداده است ولی ممکن است این دختر مورد تقاضای هوسرانی و یک نیت شوم قرار گرفته باشد که از این‌گونه اتفاقات ممکن است در اماکن عمومی نیز رخ دهد» در ادامه هم مجدداً تأکید می‌کند: «خانم مدیر و مسئولان مدرسه دختر دانش‌آموز را معاینه کرده‌اند و تأیید کرده‌اند که هیچ اتفاقی برای این دانش‌آموز نیفتاده است.» پدر دختر نیز در پاسخ به اینکه ماجرا چه بوده می‌گوید: «آبروی دخترم را نبرید!» آزار جنسی در محل کار یا منزل اتفاقی است که برای بسیاری از ما رخ داده است. برخی از ما جرات و توان افشا کردنش را نداشته‌ایم. اما آنها اتفاق را برای خانواده یا نزدیکانشان تعریف کرده یا در صدد پیگیری و شکایت برآمده‌اند برای اثبات ادعایشان در مراجع قانونی با چه چالش‌هایی روبرو شده‌اند؟ برای روشن شدن شرایط و موانعی که بر سر راه افراد شاکی از آزارهای جنسی در ایران وجود دارد با «محمد محبی»، مدرس حقوق و علوم سیاسی



ساکن ایران گفت‌وگو کرده ایم.

آقای محبی تفاوت میان تعریفی که سازمان ملل از آزار جنسی ارائه می کند با آنچه قانون فقه اسلامی در ایران آزار جنسی می داند در چیست؟

قوانین ایران و کلا نظام حقوقی و تقنینی در ایران، از آغاز تاسیس سیستم قانونگذاری (از صدر مشروطیت)، از فقه امامیه ریشه گرفته است. اما در حقوق کیفری یک تفاوت بین قوانین ایران قبل و بعد انقلاب هست. در قوانین جزایی قبل از انقلاب «حدود» شرعی حضور و بروز چندانی نداشتند. چون روحانیونی که در تدوین پیش نویس «قانون راجع به مجازات عمومی» (مصوب ۱۳۰۴) و قوانین مشابه نقش داشتند، از طیف فقهایی بودند که به «تعطیلی اجرای حدود در عصر غیبت امام عصر» اعتقاد داشتند. اما بعد از انقلاب ساختار قوانین جزایی تغییر اساسی کرد و قانون مجازات به جای تقسیم بندی به نوع جرایم و مجازاتها به شکل کتب فقهی چون «لمعه دمشقیه»، تقسیم بندی شد. یعنی تقسیم بندی «حدود»، «قصاص»، «دیات» و ...

در فقه و در بحث حلال و حرام، حتی نگاه به نامحرم هم حرام است. چه رسد به لمس کردن و «آزار جنسی»! اما ضمانت اجرای عملی آن در فقه وجود ندارد و عمدتا مجازات اخروی برای آن در نظر گرفته شده است. در فقه و در حوزه مسایل جنسی، برای اعمالی چون زنا، لواط، تفخیز، مساحقه و قوادی، تقبیل، مضاجعه، حد (مجازات) تعیین شده است. در این نوع جرایم، حتی اگر این اعمال با رضایت طرفین صورت بگیرد، بازهم مجازاتهای بسیار سنگینی دارد. خصوصا زنا با محارم و زنا با افراد متاهل.

در قانون مجازات اسلامی ایران جرمی تحت عنوان «تجاوز جنسی» یا «خشونت جنسی» تعریف و جرم انگاری نشده است. در مواد مربوط به جرایم جنسی در قوانین جزایی، نامی از تجاوز نیامده است. در بند ت ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، لفظ «زنا» به جای «زنا» آمده است که مسامحتا مترادف تجاوز است. در ماده ۲۳۴ همان قانون هم «لواط به عنف» است که آن هم مترادفا می تواند تجاوز معنی شود. تبصره دوم ماده ۲۲۴ در مورد تجاوز به دختر نابالغ با اغفال و تهدید می گوید: «در زنایی که از طریق اغفال و فریب دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید

و یا ترساندن او حتی اگر موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم اعدام جاری است.»

همچنین متن ماده ۲۲۴ به زنا با محارم نسبی نیز اشاره می کند و مجازات آن را هر چند در قانون قبلی سنگسار بود، در قانون جدید اعدام اعلام می کند. اما این فقره با تعریف تجاوز در نظامهای حقوقی کشورهای غربی و حقوق جزای بین الملل تفاوت بنیادین دارد. یعنی در رکن مادی این جرایم در قانون مجازات اسلامی ایران، عمل «زنا» و «لواط» حتما در کنار عنف باید اتفاق افتاده باشد. در تبصره ۱ ماده ۲۲۱ صراحتا آمده است که زنا باید با جماع باشد و جماع صرفا با دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه گاه و بیشتر در قُبُل یا دُبُر زن محقق می شود. یعنی اگر کمتر از ختنه گاه دخول صورت بگیرد، اساسا زنا محقق نشده است چه رسد به زنا با عنف. در لواط هم وضع به همین منوال است. یعنی اگر یک مردی بیاید یک بچه را لخت کند و به زور آلت تناسلی خود را به واژن یا نشیمنگاه این کودک بمالد و دخولی صورت نگیرد و یا یک شیئی غیر از آلت تناسلی را داخل واژن یا نشیمنگاه کودک بکند، این در قوانین کشورهای غربی و حقوق جزای بین الملل تجاوز محسوب می شود. اما در نظام حقوقی ایران تجاوز (زنا یا لواط عنف) محسوب نمی شود. نهایتا مشمول عنوان مجرمانه «اعمال مادون زنا» (موضوع ماده ۶۳۷ قانون مجازات – کتاب تعزیرات) می شود.

این در حالی است که سازمان ملل آزار جنسی را این گونه تعریف کرده است: «هرگونه ارتباط ناخوشایند، هر نوع درخواست برای نشان دادن توجه جنسی، هر گونه رفتار یا ژست فیزیکی و یا کلامی که ماهیت جنسی دارد و باعث توهین یا تحقیر طرف مقابل باشد، چه میان زن و مرد و چه افرادی با جنسیت‌های مشابه، آزار جنسی تلقی می‌شود.» اما قوانین کیفری در ایران طوری طراحی شده اند که به خشونت جنسی، به ویژه علیه کودکان توجهی نشده است. درحالی که هیچ چیزی به اندازه خشونت و تجاوز جنسی، روح و روان و کودک را نابود نمی کند. قاعده ای در علم حقوق وجود دارد و آن اینکه اگر بزه دیده، یک کودک باشد، باید مجازات آن جرم تشدید بشود. این قاعده در قوانین ایران رعایت نشده است. جز در مجازات جرم «آدم ربایی» که وفق ماده ۶۲۱ قانون مجازات کتاب تعزیرات، اگر



بزه دیده، کمتر از ۱۵ سال داشته باشد، آدم ربا، به اشد مجازات (۱۵ سال حبس) محکوم می شود.

دادگاه‌ها چه شرایطی را در نظر می گیرند تا آزار جنسی را تایید کنند؟

واقعیت این است که بخش جرایم جنسی در قانون مجازات اسلامی ایران آلت-محور است. به عبارت دیگر بر اساس این که دخول انجام شده باشد یا نه، وضعیت پرونده کیفری تفاوت فاحشی پیدا می کند. اگر دخول انجام نشده باشد، مجازات عمل (۹۹ ضربه شلاق) و در قلمرو تعزیرات (ماده ۶۳۷) قرار گرفته و اثبات آن بر عهده دادستان است. ولی اگر دخول انجام شده باشد، مجازات اعدام درحوزه حدود قرار می گیرد و نقش دادستان منتفی می شود. در نتیجه

بار اثبات جرم تماما برعهده شاکی قرار می گیرد و اگر شاکی نتواند عنصر اجبار را اثبات کند، نه تنها شاکی، متهم به جرم قذف (نسبت دادن زنا به دیگری) شده بلکه به مجازات زنا هم ممکن است محکوم شود. چرا که به برقراری رابطه جنسی از روی رضایت اقرار کرده است اما نتوانسته است عنصر اجبار را ثابت کند.

لذا اثبات آزار جنسی و تایید آن توسط دادگاه و پیگیری شکایت تا مجازات مجرم، بسیار سخت است. همچنین طبق ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت، ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست. مگر در مواردی که جرم مرئی و منظرعام واقع شده و یا دارای شاکی باشد.

بالغ و نابالغ بودن افراد، جنسیت یا محل وقوع جرم – منزل یا محل کار – در اثبات آزار جنسی دخیل است؟

متأسفانه این موارد دخیل نیستند. محل وقوع جرم (اعم از منزل و محل کار) هیچ مدخلیتی ندارند. در مورد بالغ یا نابالغ بودن هم اگر قربانی، فرد نابالغ باشد و بعد اثبات شود که رابطه نه از جنس عنف و اکراه، بلکه از رضایت باشد – بخاطر اینکه طبق ماده ۱۴۶ قانون مجازات «افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند»- آن فرد نابالغ مجازات نمی شود. اما باید در مورد بالغ یا نابالغ بودن مساله ای را بگویم. مفهوم بلوغ در قوانین ایران، به غایت مغشوش و گنگ و بلا تکلیف است. اجازه دهید در این فرصت یک بحث مفصل درباره مقوله بلوغ در قوانین ایران عرض کنم. در قوانین کنونی ایران (اعم از حقوقی و کیفری)، بطور صریح «سن قانونی» و «سن رشد» (که منطقا یکی باید باشند)، مشخص نشده است. در این فقره، نظام حقوقی ایران از یک هرج و مرج مفرط رنج می برد. در قوانین حقوقی و کیفری از الفاظ مختلفی چون، بالغ، نابالغ، طفل، طفل ممیز، طفل غیر ممیز، رشید، غیر رشید، افراد بالغ زیر ۱۸ سال و ... استفاده شده و برای هر کدام مقررات متفاوت وضع شده است.

تا قبل از سال ۱۳۶۱ و حذف ماده ۱۲۰۹ قانون مدنی، «سن رشد» در ایران ۱۸ سال تمام شمسی بود. علی رغم حذف

ناب‌خردانه این ماده مهم از قانون مدنی، اما رویه حقوقی در ایران و همچنین با استناد به «ماده واحده قانون راجع به رشد متعاملین» (مصوب ۱۳۱۳)، سن ۱۸ سال تمام شمسی، اماره رشد و خروج از حجر تلقی می‌شود. یعنی اینکه در رویه حقوقی ایران، فرد زیر ۱۸ سال صلاحیت معامله و دخل و تصرف در اموال خود را ندارد. اما چرا در قوانین کیفری، مسوولیت‌های سنگین کیفری به برخی از افراد زیر ۱۸ سال داده شده است؟ اگر فرد زیر ۱۸ سال در معاملات و دخل و تصرف اموال، مجبور تلقی می‌شود، چرا در امور کیفری، مهجور تلقی نشود؟

در قانون مجازات اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲)، در ماده ۱۴۶ آمده است: «افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند.» مفهوم مخالف این ماده یعنی: «افراد بالغ مسئولیت کیفری دارند». بلوغ در درجه اول یک وضعیت در فرد است و ممکن است در افراد مختلف متفاوت باشد. منطقاً نباید برای آن سن خاصی تعیین کرد.

اما برای اینکه سن تکلیف دینی مشخص شود و فرد از یک سن خاصی مکلف به انجام واجبات و ترک محرمات شود، فقهای مذاهب خمس‌ه اسلامی، یک عددی را به عنوان سن بلوغ تعیین کرده‌اند. در مذهب حنفی، اکثر فقها، سن بلوغ دختر و پسر را ۱۵ سال قمری می‌دانند. اگرچه خود امام ابوحنیفه سن بلوغ پسر را ۱۸ سال و دختر را ۱۷ سال می‌داند.

در مذهب مالکی- بلوغ - را اتمام ۱۸ سال برای پسر و دختر می‌دانند. در دو مذهب شافعی و حنبلی، اتمام ۱۵ سال قمری برای پسر و دختر، به عنوان سن بلوغ تعیین شده است.

قانونگذار ایرانی با استناد به فتاوی مشهور فقه امامیه، سخت‌گیرانه‌ترین سن را برای بلوغ تعیین کرده و در ماده ۱۴۷ آورده است: «سن بلوغ - در دختران و پسران - به ترتیب ۹ و ۱۵ سال تمام قمری است.» یعنی دختران بعد از سپری کردن ۸ سال و ۹ ماه شمسی و پسران بعد از سپری کردن ۱۴ سال و ۷ ماه شمسی، وارد سن مسوولیت کیفری می‌شوند. اما آیا این عادلانه و منصفانه و عقلانی است؟ براساس این قواعد، یک دختر ۹ ساله مسوولیت کیفری دارد. اما یک پسر ۱۴ ساله مسوولیت کیفری ندارد! روی چه حسابی؟ با کدام منطق؟ کدام عقل سلیمی می‌گوید

یک دختر ۹ ساله، رشد جسمی و عقلی اش بیشتر از یک پسر ۱۴ ساله است و قوه تشخیص اش بیشتر است؟ مگر مسئولیت کیفری ناظر بر رشد و قدرت تشخیص نیست؟ هر چند در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) و در مواد ۸۸ تا ۹۵ دست قضا را برای عدم صدور احکام مجازات سنگین برای افراد بالغ زیر ۱۸ سال باز گذاشته است- اما در همین مواد- اما و اگرهای زیادی هست. لذا هنوز هم برای مجرمین زیر ۱۸ سال بعضاً مجازات‌های بسیار سنگینی چون اعدام صادر و اجرا می‌شود.

به طور ویژه کودکان نابالغ وقتی مورد آزار جنسی یا در نوع وسیع آن تجاوز قرار می‌گیرند چه موانعی بر سر اثبات موضوع در دادگاه پیش روی خانواده هاست؟

چالش‌های اثبات این موضوع، تقریباً همان چالش‌های اثبات جرایم جنسی است که در بالا ذکر شد. این موضوع وقتی در قالب حدود قرار می‌گیرد، بار اثبات آن برعهده بزه دیده و یا سرپرست بزه دیده -در صورتی که قربانی کودک باشد- است.

متأسفانه در مورد آزار جنسی کودکان، اگر یک فاجعه رخ دهد و آسیبی به اندام‌های کودک وارد شود، در دادگاه و آن هم با تایید پزشکی قانونی قابل اثبات است. اما آسیب‌های روحی و روانی در دادگاه به راحتی قابل اثبات نیستند. هرچند «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان» مصوب سال ۱۳۸۱، آزار و اذیت افراد زیر ۱۸ سال را جرم‌انگاری کرده و برای آن مجازات تعیین کرده است. اما در حوزه آزارهای جنسی بازهم خلاهای زیادی هست. خانواده‌ها و سرپرست‌های کودکان، چالش‌های زیادی برای اثبات موضوع آزار جنسی در دادگاه دارند.

ماده دوم این قانون می‌گوید: «هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی، روانی یا اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به خطر بیندازد، ممنوع است.» ماده چهارم این قانون نیز مجازات یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ۱۰ میلیون ریال جزای نقدی برای آزار و اذیت و شکنجه جسمی و روحی کودکان در نظر گرفته است که به نظر می‌رسد بازدارندگی چندانی ندارد.



از هالیوود تا ایران، چالش آزار جنسی در محل کار



مریم دهکردی

چندی قبل [گزارشی](#) مفصل در نیویورک تایمز منتشر شد که به افشای سوءرفتار «هاروی واینستاین» با زنان در محیط کار می‌پرداخت. در این گزارش آمده بود که «هاروی» تهیه کننده مشهور و شناخته شده هالیوود و از بنیانگذاران کمپانی میراماکس، در طول سه دهه گذشته همواره زنانی را که با وی همکاری می‌کردند مورد آزار و اذیت جنسی قرار داده و به واسطه موقعیت شغلی او و برتریاش بر دیگران بسیاری از آنها در برابر این رفتار وی سکوت اختیار کرده‌اند. بنا بر آنچه در این گزارش آمده دستکم هشت زن در چند سال گذشته به بهانه قرار کاری به صورت خصوصی با او دیدار کرده و او هر بار آنها را برای برآوردن خواسته‌های جنسی‌اش تحت فشار گذاشته است. در پی انتشار این، گزارش موج گسترده‌ای با هشتگ #MeToo در فضای مجازی به راه افتاد و

بسیاری از زنان در سراسر جهان از تجربیات شخصی‌شان در این باره نوشتند. گستردگی این ماجرا نشان داد که جغرافیا در ماجرای آزار جنسی چندان اهمیت ندارد اما قوانین جاری و حمایتی از آزادی‌گهان چقدر در اثبات موضوع حائز اهمیت است. به راستی در ایران آزار و اذیت جنسی در محیط کار و تحصیل به خصوص اگر سواستفاده گر فردی باشد که در موقعیت قدرت قرار دارد چه چالش‌هایی برای فرد آزار دیده خواهد داشت؟ در بخش دوم از گفت‌وگو با آقای محمد محبی مدرس حقوق و علوم سیاسی ساکن ایران به این موضوع پرداخته ایم.

آقای محبی چالش‌های اثبات آزار جنسی که در محل کار رخ داده در دادگاه به صورت عمده چه

ناامن شود.

اگر فرد متجاوز یا آزارگر از محارم باشد آیا در کلیت موضوع تفاوت خواهد کرد (منظور در پیشگاه قانون است)؟

□ متأسفانه در این مورد هم ضمانت اجراهای قانونی قوی وجود ندارد. زنا با محارم - چه با رضایت و چه با اکراه - حد (مجازات) اعدام دارد. اما در مورد آزارهای جنسی مختلف، قانون ساکت است. حتی خشونت جنسی علیه همسر مشروعیت قانونی دارد. اگر همسر از وظیفه رابطه جنسی با شوهر - بدون عذر شرعی - استنکاف کند، «ناشزه» محسوب می‌شود و عواقب وخیمی برای زن دارد. اگر به واسطه آزار جنسی «پدر علیه فرزند» فرزند بمیرد، پدر قصاص نمی‌شود. اگر در آزار جنسی، دخول صورت گرفته باشد، حد اعدام صادر می‌شود که در آن صورت هم اگر پدر «توبه» کند؛ طبق ماده ۱۱۴ حد اعدام ساقط می‌شود و مجرم به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. اگر دخولی هم صورت نگرفته باشد که دیگر هیچ. به طور کلی خشونت در موارد مختلف، علیه هر انسانی - حتی در مواردی علیه حیوانات - در اکثر کشورهای جهان، جرم محسوب شده و مجازات‌های گوناگون برای آن وضع شده است. [در این مواقع] با عنایت به اوضاع و احوال مجرم یا بزه دیده یا زمان و مکان و کیفیت وقوع جرم، مواردی برای تخفیف و یا تشدید مجازات در نظر گرفته می‌شود. معمولاً وقتی بزه دیده یک کودک باشد، مجازات آن بزه برای بزه‌کار تشدید می‌شود. کودکان به دلیل شرایط جسمی و روحی که دارند، باید مورد حمایت قانونگذار قرار بگیرند. متأسفانه در این فقره، قوانین کیفری ایران نقایص فراوانی دارند. به نظر من مهمترین دلیل این مساله آن است که در ذهنیت مقامات و قانون‌گذاران جمهوری اسلامی و در دکترین‌های حقوقی و فرهنگی سیستم جمهوری اسلامی، کودکان به عنوان سرمایه ملی و میهنی تلقی نمی‌شوند. عمدتاً نگاه فقهی بر این فقره حاکم است. آن هم قشریترین و لفظی‌ترین قرائت از فقه. به طور مثال احادیث مربوط به ولایت پدر و جد پدری بر فرزندان و نوادگان را مبنای تقنین در بسیاری از مسایل حقوقی و کیفری قرار داده اند. مانند عدم قصاص پدر یا جد پدری در صورت قتل فرزند یا نواده. اما احادیث متواتر و معروف چون «فرزندان امانتی

مواردی هستند؟

□ این چالش‌ها در چند مورد قابل تامل و تبیین است. اولاً افرادی که در محل کار خود مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند، برای از دست ندادن موقعیت کاری خود، کمتر دست به شکایت می‌زنند. ثانیاً در قوانین ایران، متأسفانه در این مورد پیش بینی صورت نگرفته است. حتی تفتیش و تحقیق از برخی از محل‌های کار، برای اثبات جرایم روال سختی دارد. بر طبق ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) نیاز به تایید رییس کل دادگستری استان و با حضور مقام قضایی امکان اجرایی دارد. به نظر می‌رسد در این مورد هم قوانین باید اصلاح شوند تا افراد در محل کار، ترسی برای اخراج نداشته باشند و محیط کار برای کسانی که می‌خواهند با آزار جنسی افراد در محل کارشان، از مجازات فرار کنند،



در دست پدران و مادران هستند» و امثال آن را کمتر مبنای قانون و مقررره ای قرار داده اند! یک دلیل دیگر هم اینکه مفهوم «کودک» در قوانین موضوعه ایران تعریف واحد و مشخصی ندارد. در قوانین ایران برای افراد زیر هجده سال، سه نوع تقسیم بندی وجود دارد: «صغیر ممیز و غیرممیز»، «افراد بالغ و نابالغ» (سن بلوغ برای دختران ۹ سال تمام قمری و برای پسران ۱۵ سال تمام قمری است) و «افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی». که برای هر سه گروه، قانون‌گذاری متفاوت صورت گرفته است.

نواقص قانونی که موجب میشود در دادگاه اغلب افرادی که شکایت کنند از پیگیری منصرف شوند چیست؟

□ نواقص در این مورد به حد وسیعی زیاد است. یکی از نواقص بزرگ این است که تنها تجاوز آشکار، جرم‌انگاری شده و آزارهای جنسی و تجاوز پنهان که ناشی از سوءاستفاده خشونت‌گر از موقعیت برتر خود نسبت به قربانی خشونت است، جرم‌انگاری نشده است. چرا که طبق ماده ۱۹۹ قانون جدید مجازات اسلامی قربانی برای اثبات تجاوز، به شهادت چهار شاهد مرد نیاز دارد. تجربه نشان داده است همین موضوع باعث شده است، بسیاری از آزارهای جنسی توسط اعضای خانواده و اقوام در سکوت باقی بماند و خشونت‌گر با تصور این که حساسیت جامعه و قوانین بر روابط خویشاوندی و خانوادگی کم‌رنگ است، با خیال آسوده به کار خود ادامه دهد. همچنین قواعد سخت‌گیرانه برای ادله اثبات جرایم جنسی در دادگاه‌ها هم باعث می شوند که اغلب شاکیان از ادامه دعوی منصرف شوند. مسایل فرهنگی هم مزید بر علت هستند.

آیا افراد آزاردیده و قربانی ممکن است مجرم شناخته شوند؟

□ بله این امکان وجود دارد. اگر آزار جنسی در قالب زنا و لواط (طبق قانون دخول) به عنف یا اکراه یا اجبار یا اغفال صورت گرفته شده باشد و قربانی نتواند عنف یا اکراه یا اجبار یا اغفال را اثبات کند، ممکن است به زنا و لواط محکوم شود و در مواردی مجازات آن از مجازات متجاوز هم بیشتر باشد. مثلاً در عمل لواط، حد فاعل در صورتی که مجرد باشد (شرایط احصان نباشد)، صد ضربه

شلاق است. اما حد مفعول در هر حالتی چه مجرد بودن و چه مجرد نبودن (احصان یا عدم احصان) اعدام است (ماده ۲۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲). یا در فرض دیگر، اگر در یک زنا - که عنف یا اکراه یا اغفال یا اجبار به اثبات نرسد و اگر مرد مجرد باشد - نهایتاً به صد ضربه شلاق محکوم می شود. ولی اگر زن متاهل باشد (محصنه باشد) حتی ممکن است، براساس ماده ۲۲۵ به مجازات رجم (سنگسار) محکوم شود. هرچند در همین ماده ۲۲۵ امکان جایگزینی سنگسار با اعدام وجود دارد. اگر موارد آزار جنسی مادون زنا و لواط باشد و شکایتی [هم توسط آزاردیده] صورت بگیرد و در دادگاه اثبات نشود، ممکن است شاکی با شکایت متقابل «اعاده حیثیت» روبرو شود و خودش مجازات شود.

به‌عنوان یک حقوق‌دان و همچنین فرد آشنا به فقه اسلامی فکر می کنید مهم‌ترین ضعف قانونی چیست و چه راهی برای اصلاح آن هست؟

ضعفها که خیلی زیاد است. مهمترین ضعف در قوانین ایران عدم تعریف و جرم انگاری مواردی چون «آزار جنسی» و «تجاوز جنسی» است. قوانین کیفری ایران همانطور که عرض کردم در این مساله «آلت-محور» است. یعنی، مجازات، به میزان دخول آلت تناسلی بستگی دارد. که این هم دلایل جامعه شناختی و روانشناختی در حوزه زمانی و مکانی شکل‌گیری ریشه‌های این قوانین دارد. در این مساله به ویژه در حوزه حقوق کودکان، نیاز به قوانین جدید داریم. بحران‌های «کودک آزاری» به ویژه آزار جنسی کودکان در جامعه ایران بیداد می کند - یا شاید هم در جامعه ایران بود و به لطف شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جدید، نمایان شده است. باید قوانین سخت‌گیرانه در این حوزه تهیه و تصویب شود. علی‌رغم آن که کودک آزاری اعم از جسمی و روحی و جنسی معمولاً در داخل خانواده‌ها و توسط نزدیک‌ترین افراد به کودک انجام می‌شود، اما با کمال تاسف هنوز هیچ قانون خاصی برای حمایت از کودکان در مقابل خشونت

های خانگی تصویب نشده و حتی «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، مصوب ۱۳۸۱ نیز والدین را در این گونه جرایم از تعقیب و مجازات معاف دانسته و نیز هیچ نهاد یا سازمانی که مسئولیت حمایت از کودکان آسیب دیده یا نظارت بر این امر را بر عهده گیرد، وجود ندارد. به نظر می رسد در بخش جرایم جنسی قوانین کیفری، باید تعریف «آزار جنسی» و «تجاوز جنسی» را براساس اسناد بین‌المللی و دستاوردهای جدید علمی و دکترین‌های نوین حقوقی، تعریف و تبیین و جرم‌انگاری کرد. [باید] برای آن مجازات‌های سنگین و بازدارنده وضع کرد. همچنین آزار جنسی در خانواده باید جدی گرفته شود و اتفاقاً مجازات والدینی که کودکان را مورد آزار جنسی قرار می‌دهند، تشدید شود چون کودک باید در خانواده در نهایت امنیت باشد. صد البته کار فرهنگی و آموزش جامعه و خانواده و شهروندان و کودکان، باید در اولویت باشد.

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران/ محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تماس با مجله: mail@iranhr.net

